

اسلام دين ترور نيست!

مؤتم ويزين : الحاج سليم عابد « پيمان »

Peace

Ketabton.com

۱۳۹۵



تتبع ونگارش :

الحاج امين الدين « سعيدى - سعيد افغانى »
مدير مركز مطالعات ستراتيجيك افغان
و مسؤول مركز فرهنگى د حق لاره - جرمنى

اسلام دين ترور نيست!

بسم الله الرحمن الرحيم اسلام دين ترور نيست!

اگر ارشادات قرآني، و هدايات و دساتير پيامبر بزرگ وار اسلام حضرت محمد صلى الله عليه وسلم بطور دقيق، همه جانبه، بيطرفانه و منصفانه مورد تحليل و ارزيابي قرار گيرد، بوضاحت تام در خواهيم يافت که دين اسلام دين صلح و دين رحمت بوده، و در هيچ زماني دين تروريست نبوده و نخواهد بود.

پيامبر محمد صلى الله عليه وسلم براي گسترش صلح، آرامش و رحمت مبعوث گرديده است. طبيعتا ديني که اساس آن رحمت باشد، پيامبر آن نيز بايد پيام آور رحمت و صلح باشد. «وما ارسلناك الا رحمة للعالمين» (سوره انبيا: ۱۰۷) (وما تورا جزء مايه رحمت براي جهانيان نفرستاديم).

همچنان پيامبر اسلام محمد صلى الله عليه وسلم در اين مورد مي فرمايد: (و أنا نبي الرحمة) (ترمذي، ۲۰۶) و (انما انا رحمة مهداة) (ابن كثير: ۳ / ۲۲۱). در روايات اسلامي آمده است بعد از اينکه مسلمانان به فتح عظيم - فتح مکه - نایل گرديدند. و مسلمانان جوقه جوقه وارد شهر مکه ميگرديدند يکي از صحابه کرام (سعد بن عباد) که بيرق فتح را بدست داشت شعار ميداد: (اليوم يوم الملحمة ...) (امروز روز شفقت و بخشش است).

همچنان در تاريخ اسلام آمده است: که صحابه کرام بعد از همه تجاوزات و اهانت هاي که مشرکان مکه عليه پيامبر صلي الله عليه وسلم واصحابش، روا داشتند. به نزد پيامبر اسلام عرض داشتند: يا رسول الله! در حق اين قوم نفرين بفريسد تا از شر آن نجات يابيم. ولي پيامبر اسلام در جواب صحابه کرام فرمود: « اني لم ابعث لعناً و انما بعثت رحمة » (ابن كثير تفسير القرآن العظيم: ۳ / ۲۱۱) (براي نفرين کردن فرستاده نشده ام بلکه براي رحمت فرستاده شده ام). واقعاً هم روش پيامبر اسلام، روش عفو و گذشت روش رحمت و مرحمت بود.

عسقلاني در کتاب خویش فتح الباري روايتي دارد: ميگویند محمد صلى الله عليه وسلم به قاتل کاکای خویش سيد الشهداء همزه که در جنگ احد توسط (غلام حبشي) به شهادت رسانيده شد، وسينه مبارك اش توسط اين غلام حبشي پاره و توسط هنده به دندان پاره شد و برخورد وحشيانه و غير انساني صورت گرفت. اين عمل سبب تأثر شديد تمام مسلمانان و شخص آنحضرت محمد صلى الله عليه وسلم گرديد. اما زمانیکه فتح مکه صورت گرفت و اين قاتل حضرت همزه (سيدالشهداء) را نزد پيامبر صلى الله عليه وسلم حاضر کردند، پيامبر اسلام به همين قاتل کاکای خویش و اولين سپهسالار اسلام فقط همين قدر ميگويد: (از پيش چشمانم دور شو که ترا نبينم). روايات وجود دارد که همين قاتل حضرت همزه تا آخر در مکه به امن و آمان زندگي ميکرد. اين است نمونه ترحم و اين است نمونه شفقت اسلامي (الله اکبر).

پايه و ستون شريعت اسلام را صلح، رحمت و عدم خشونت، تشکيل ميدهد. قرآن عظيم الشان و سنت پيامبر اسلام بر اصل صلح و رفتار مسالمت آميز تأکيد نموده و همه هدايات اش بر اين اصل نيز استوار ميباشد.

اسلام دين ترور نيست!

قرآن عظيم الشان اعراب جاهليت را كه با جنگ و خون ريزي عادت كره بودند، در اولين پيام خويش آنان را به صلح دعوت نموده و خطاب به آنان مي فرمايد: « **وان جنحوا للسلام فا جنح لها وتوكل على الله** » (سوره انفال : ۶۱) (چنان چه براي صلح آغوش گشودند ، تو نيز براي صلح آغوش بگشاي).

دين اسلام حتي در ميدان جنگ و نبرد هم خواهان صلح و آشتي است : « **ولا تقولوا لمن القى اليكم السلم لست مؤمناً** » (سوره نساء : ۹۴) (به آن كه با شما از در آشتي و تسليم در ايد مگويد كه بي ايمان است) . مفسرين بر اين عقیده اند كه : اگر كسيكه با مسلمانان در حال نبرد ، اقدامي صلح جويانه بکند ، بر مسلمانان واجب است تا در مقابل آن به جواب مثبت بپردازد و از جنگ دست بردارد . (قرطبي ، الجامع لاحكام القرآن : ۱۴۰۵ / ۵ : ۳۳۶ والشوكاني فتح القدير : ۱ / ۵۰۱۱۴).

داستان هابيل و قابيل در قرآن عظيم الشان يكي از نمونه عالي صلح و آشتي در دين مقدس اسلام بشمار ميرود . زمانيكه قابيل برادر خويش را تهديد به مرگ كرد، هابيل در جواب اش پيام آشتي و صلح را در پيش گرفت : « **لئن بسطت إلي يدك لتقتلني ما أنا بباسط يدي إليك لأقتلك إني أخاف الله رب العالمين** » (سوره مائده : ۲۸) (اگر تو دست به گشتن من بزني من دست به گشتن تو نمي زنم . من از پروردگار جهانيان مي ترسم).

سلام (صلح) يكي از نام هاي پروردگار ميباشد : « **هو الله الذي لا اله هو الملك القدوس السلام...** » (سوره الحشر : ۲۳) (اوست خداوندي كه خدائي جزو او نيست ، فرمانرواي قدوس سلام ...)

قرآن عظيم الشان يک هزار و چهارصد سال قبل شعار صلح جهاني را بري عالم بشريت مژده داده و مي فرمايد : « **يا ايها الذين امنوا ادخلوا في السلم كافة ولا تتبعوا خطوات الشيطان ...** » (سوره بقره : ۲۸) (اي كسانيكه ايمان آورديد همگي در صلح در آييد و از پيروي راه شيطان پرهيزيد ...)

قرآن كريم التزام مسلمانان را به صلح و امنيت با زيبايي خاص خويش چنين بيان ميدارد : « **فان اعتزلواكم فلم يقاتلواكم والقوا اليكم السلم فما جعل الله لكم عليهم سبيل** » (وقتيكه از شما دست بردارند و با شما سر جنگ نداشته باشند و بخواهند از در آشتي باشما پيش آيند . خداوند راهي را براي شما عليه آنان قرار نداده است) (سوره نساء : ۹۰) . بر اين اساس و حكمت است آياتي كه دلالت بر صلح و آشتي را دارد. نسخ نشده است و جنگ و مبارزه زماني رواست كه صلح خواهي وجود نداشته باشد.

اصطلاح (**سلام**) (**صلح**) و مشتقات آن در پيش از يك صد آيه از قرآن عظيم الشان بكار رفته است . و بالعكس اصطلاح (جنگ يا حرب) و مشتقات آن به جز در شش آيه از قرآن كريم تذكر يافته است . (الترمذي ، بخش الشما ئل المحمديه)

پيامبر اسلام محمد صلى الله عليه وسلم از جمله اولين شخصيتي در عالم بشريت است كه به ديپلوماسي واقعي صلح جويانه اقدام بعمل مي آورد ، سفيران و هيات هاي سياسي و ديپلوماتيك خويش را براي تاسيس و برقراري روابط مسالمت آميز نزد دولت ها و امپراتوري زمان خويش گسيل داشته است . كه از جمله ميتوان از ارسال نامه هاي صلح آميز به پادشاهان مصر ، پيزانس ، حبشه ، فارس و غيره ... نام برد.

اسلام دين ترور نيست!

«سلام» مشتق از «سلم» ، (سلام) است اصطلاح (السلام عليكم ورحمة وبرکاته) و (عليكم السلام ورحمة وبرکاته) کلمات است که روزانه به ميلون ها مسلمان از طي قلب آن را بزبان جاري مي سازد .

که در اين اصطلاحات عالترين مفاهيم صلح و دوستي محبت و اشتي نهفته است . همچنان توجه نموده باشيد که مسلمانان زمانیکه نام پيامبر اسلام حضرت محمد صلی الله عليه وسلم ويا نام ساير پيامبران بزبان آورده ميشود عبارت (عليه السلام) حتماً در جنب آن اضافه ميشود .

مسلمانان همه روزه نماز هاي پنج گانه خویش را به عالترين شعار صلح ، دوستي ، محبت و رحمت به شعار : (السلام عليكم ورحمة الله وبرکاته) به پايان ميرسانند .

مؤرخين مينويسند که پيامبر اسلام محمد صلی الله عليه وسلم قبل از هجرت زمانیکه در مکه زندگي ميگرد هيچ وخت به عمليات نظامي و امور حربي مشغول نشده بود . ولي زمانیکه به مدینه منوره مجبور به هجرت شد ، ودر آن ديار باز هم مسلمانان مورد ازار و تجاوز قرار متعدد و غير انسانی قرار گرفتند ، جهاد بر مسلمانان فرض گرديد ، همان بود که مسلمانان بخاطر دفاع از خود ، بخاطر دفاع از دين و عقايد خویش ، بخار دفاع از نواميس خود ودر نهايت بخاطر دفاع از حکومت و زندگي خویش ، دست به مبارزه مسلحانه و دفاعی زدند ، تجاوز را مسلمانان آغاز نه نموده ، بلکه ديگران بودند که تجاوز را بر مسلمانان تحميل داشته بودند .

در احاديث متبرکه تذکر رفته است که: پيامبر اسلام حضرت محمد صلی الله عليه وسلم زمانیکه گروپ های حربي و نظامي خویش را به سوي جبهات دفاعي اعزام ميداشت اکيداً به ايشان هدايت مي فرمود : «... ولا تقتلوا شيخاً فانياً ولا طفلاً صغيراً ولا امرأة ولا تغلو ا واصلحوا واحسنوا ان الله يحب المحسنين» (الشامي ۱۳۱۴ : ۶ / ۷)

(موسفيدان ، پيرمردان ، اطفال و زنان را بقتل نرسانيد ، خيانت نکنيد ، صلح را در پيش گيرد ، نيکي کنيد ، که پروردگار نيکو کاران را دوست دارد) . اين است عظمت اسلام اين است زعامت عالم بشريت که همه فرمود هایش بر مفاهيم صلح ، مرحمت ، و عطف استور بوده و پيروان خویش را به امر مقدس صلح دعوت نموده است . و تهمت هاي قتل ، ترور از جمله شعار هاي است که دشمنان اسلام به منظور لکدار شدن اسلام به آن دامن ميزنند .

همه مفسران ، دانشمندان و فقهاي اسلام بر اين باور و عقیده اند که اصل در روابط مسلمانان با ديگران بر صلح و مرحمت مبتني است ، و جنگ يك وضعيت عارضي است که بر دفع تجاوز و پشتيباني از دعوت اسلامي ضرورت مي يابد و در آن سيطره و غلبه بر ديگران جايي ندارد .

از ابن تيميه (رحمة عليه) نقل شده است که مي فرمايد : (جنگ با آناني رواست که با ما بر سر عمل کردن به دين می جنگند) اسلام با آناني که خواهان صلح اند ، صلح می کند ، دين اسلام سر جنگ را ندارد ولي با کسانیکه با مسلمان وارد جنگ شوند ويا مانع دعوت مسلمانان گردد به آنان به مبارزه بر می خيزد . جهاد با حجت و بيان با توسل به زور مقدم است .

محمد عبده می گوید : (خداوند جنگ را براي خون ريزي و گرفتن جان ديگران يا توسعه

اسلام دين ترور نيست!

نفوذ بر ما واجب نگراندیده ، بلکه جنگ را برای دفاع از حق و پیروان آن و حمایت از دعوت واجب کرده است.

مصطفی السباعي می گوید : (اصل در روابط ما با همه ملیت ها بر صلح ، ترك مخاصمه و جنگ و احترام عقاید ، آزادي ها ، اموال و ارزش ها دیگر ملل قرار دارد .) (القاسمي ، ظافر ، الجهاد والحقوق الدوليه في الاسلام چاپ بيروت ، ۱۹۸۲ : ۱۸۷ و ۳۰۹)

عباس عقاد يکي از مشهور ترين دانشمندان و نويسندگان مصري کتا بي در رد افتراءات عليه اسلام تحت عنوان (حقائق الاسلام و آبا طيل خصومه) تدوين داشته است. نويسنده در بخش از کتاب خویش: در باره نسبت دادن شمشير با اسلام مينويسد (تاريخ دعوت اسلامي به اثبات رسانيده است : که مسلمانان پيش از آن که قادر باشند آزار و شکنجه مشرکان را از سر راه خویش درو نمايند ، خود قرباني خشونت ها و شکنجه مشرکان قرار گرفتند. از خانه و کاشانه خویش بيرون رانده شدند و راه حبشه را در پيش گرفتند و در نهايت به آن سر زمين پناه بردند . مسلمانان هيچ گاه به زور متوسل نشدند مگر در برابر زور که منطق نمي پذيرد . هر گاه به مسلمانان تعرض نشود ، از آنان بدبي سر نزده است ، بر خورد مسلمانان با دولت حبشه مابين چنين واقعيت است . در جزيره العرب جنگي ميان مسلمانان و قبائل عرب در نگرفت جز آن که ما هيت دفاعي داشت يا هدفی پيشگيرانه دربين بود . حق شمشير برابر با حق زندگي است . هر جا اسلام دست گرفتن شمشير را لازم دانسته است از باب اضطرار و براي حق در زندگي بوده است . حق زندگي در اسلام يعني حق آزادي در دعوت و عقیده ... اگر به نقشه فعلي جهان نظر به اندازيم در خواهيم يافت که شمشير جز در اندک مواردی موجب نفوذ اسلام در جهان نشده است . سر ز مين هاي که جنگ در آن کمتر روي داده است بيشترين باشند کان شان مسلمان اند . که نمونه بارزي آن کشور هاي چون اندونيزيا ، هند وچين ... وغيره ميتوان نام برد .

بر اين اساس ، طبق حقوق اساسي اسلام ، رابطه ميان ملتها بر روابط مسالمت اميز مبتني است و توسل به جنگ در اسلام به واقع دفاع در برابر جنگي است که آتش آن را ديگران روشن ساخته اند. اسلام در مفهوم کلي از دو کلمه : (دين و صلح) تر کيب يافته است . (العقاد ، عباس محمد ، حقايق الاسلام وابطيل خصومه ، ۱۹۶۶ : ۳۰۰ - ۳۰۹) داکتر زحيلي می گوید:

جنگ با ملل غير مسلمان که با مسلمانان دشمني ندارند و آنان را در عمل به دينشان آزاد می گذارند روانيست و نبايد روابط مسالمت اميز با آنان را قطع کرد ، زيرا اصل بر صلح است . (الزحيلي ، وهبة العلاقات الدوليه في الاسلام مقارنة با لقانون الدولي الحديث ۱۹۹۷ : ۱۰۲) .

بنابر اين گفته کسانی را که گویا: شريعت اسلامي در اغلب موارد ، شريعتي مبتني بر جنگ و شمشير است ، بر داشتی بي اساس بوده و به هيچ صورت با مفهوم و محتوي دين مقدس اسلام مطابقت نداشته ، ندارد و نخواهد داشت.

مشهور ترين آيه قرآن عظيم الشان که از آن در باره جنگ ذکر بعمل آمده است : (آيه : ۲۶ سوره توبه است :) « **وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُوكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ**

اسلام دين ترور نيست!

المتقين « در تفسير اين آيه متبرکه مفسرين مينويسند:

1 - هدف اين آيه متبرکه حفظ حق حيات انساني است. بر اين اساس چنان چه دشمنان اسلام همگي قصد سلب حيات مسلمانان را پلان کنند، ضروري و لازمي و منطقي است که مسلمانان نيز به دفاع از حق خویش که حق مشروع است در برابر آنان ايستاده شوند و راه مقاومت را در پيش گیرند. و طوريکه به همه معلوم است که چنين دفاعي با فطرت انساني نيز سازگار است.

2 - در آيه متبرکه آمده است: که چون آنان قصد جنگ با همه شما دارد، شما نيز با آنان کارزار جنگ کنید. بنابر اين آنان هستند که به مسلمانان تعرض می کنند و مسلمانان نيز در جواب اقدام تجاوز کارنه دشمن با تمام توان با مقابله دعوت شده اند. در ادامه آيه متبرکه که از کمک و ياري پروردگار با اهل تقوا يادي بعمل آمده است، خود مبين رعايت اصول انساني در جنگ است. (توضيح بيشتري موضوع را در تفسير کبير و تفسير طباطبائي: ۲/ ۶۵ - ۶۸ و ۲۷/۹ ميتوانيد با جزئيات بيشتري مورد مطالعه قرار دهيد.)

غزوات پيامبر صلی الله عليه وسلم:

اگر غزوات پيامبر صلي الله عليه وسلم بطور دقيق مورد تحليل و مطالعه قرار گیرد در خواهيم يافت که همه غزوات پيامبر صلي الله عليه وسلم ما هيت دفاعي داشته و با اصل اصول صلح و مر حمت سازگار است.

غزوات اسلام به هدف اجبار مردم براي پذيرفتن دين جديد نبوده، زيرا دين در ما هيت خود اجبار را نمي پذيرد. همه در گير هاي که در عصر رسالت صورت گرفته مقاومت بوده و هر کدام آن بر حسب شرايط و اقتضاي خاص، هر در گيري به هدف دفاع از هويت اسلامي صورت گرفته است.

اين مشرکان بودند که محمد صلي الله عليه وسلم و يارانش را از ديار شان بيرون کردند اگر ياران پيامبر صلي الله عليه وسلم را از خانه و کاشانه شان بيرون نمي راندند، و باز در مدينه عليه شان جنگ و تجاوز را روا نمي داشتند به هيچ صورت جنگي صورت نمي پذيرفت. ولي همين مشرکين مکه بودند که عليه مسلمانان در مدينه هجوم را براه انداختند و ميخواستند پايتخت مسلمانان را در مدينه در براه انداختن جنگ هاي احد و احزاب نابود کنند. ولي ساير غزوات پيامبر صلي الله عليه وسلم که نام جنگ به ايشان گذاشته شده است، **جنگ نبوده بلکه حالات دفاعي بخود داشت و تقريباً ميتوان آنرا شبيه جنگ مسمي ساخت تا جنگ به مفهوم واقعي آن.**

ما ميتوانيم از روابط حسنه و مسالمت آميز مسلمانان و دولت اسلامي شان با دولت حبشه در صدر اسلام يا آوري نمود.

علماء مينويسند (مسلمانان زماني متوسل به زور شدند که ديگران با توسل زور مانع استقلال و آزادي آنان در عمل به دينشان شدند.) (العقاد عباس محمد، حقايق اسلام و با طيل خصومه، ۱۹۹۶: ۳۰۰ - ۳۰۵)

مفهوم جهاد در اسلام:

در اين اواخر در وسايل اطلاعات جمعي جهان با آغاز سبک واهنگ جديد سوالاتي را مطرح ميدارند و چنان تحليل هاي را به سمع جهانيان، بد ين عنوان ميرسانند که: جهاد

اسلام دين ترور نيست!

را در جنگ مسلحانه خلاصه ميکنند. حتی در قاموس های معتبر جهان به معنای جنگ مسلحانه خلاصه شده. در حالیکه جهاد انواع مختلف دارد و یک نوع آن مجادله مسلحانه است. جهاد به نفس، جهاد تنويری و آموزی خود و ديگران جهاد برای تفهيم و عام ساختن حق و

بلی باید گفت و تاکید کرد که جهاد را که دين مقدس اسلام بدان تاکید میدارد هدف از جهاد مجادله و تلاش بی حد برای خير و راه درست است. **تأمین امنیت و تضمین حاکمیت و استقلال و دفاع از امت اسلامي است .**

جهاد برای استقرار صلح و حمايت از ادیان آسماني فرض گردیده است . قرآن عظیم الشان این مطلب را با زیبایی خاص آن چنین تعریف مینماید :

(ولو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع وبيع وصلوات ومساجد يذكر فيها اسم الله كثيراً ولينصرن الله من ينصره ان الله لقوي عزيز) (سوره حج : ٤٠) (واگر خداوند بعضي از مردم را به دست بعضي ديگر دفع نمی کرد ، هم صومعه ها راهبان و هم معابد (مسیحسان) و هم عبادتگاه هاي (يهوديان) و هم مساجد (مسلمانان) که نام خداوند در آنها بسيار یاد می شود، ويران می گردید ، و خداوند تواناي پيروزمند است) .

جهاد هيچ گاه مفهوم جنگي ديني برای وادار کردن ديگران برای پذيرش دين اسلام نداشته و ندارد . چنین برداشتي به ماهيت ، روح و جوهر دين مقدس اسلام و روح هدايات قرآن عظيم الشان (لا اكره في الدين) که برای آزادي عقیده اعلان شده است نا سازگار و در تضاد میباشد . (القاسمي ١٩٨٢ : ١٨٨)

در تاريخ زندگي پيامبر اسلام حضرت محمد صلی الله عليه وسلم دیده نشده که يك مسيحي را به اين دليل که اسلام را قبول نکرده است به قتل رسانده باشد . بلکه با لعکس پيامبر اسلام با مسیحسان نجران با اکرام برخورد کرده است وحتي برای آنان اجازه داده است تا در مساجد مسلمانان به عبادت خویش پردازند .

مؤرخين بهترين دوران را مرحله دوساله صلح حد يبيه ، صلح که بين مسلمانان وقریش صورت گرفت یاد می نمایند . در اين دوسال تعداد زيادي از مردم به دين اسلام مشرف شدند که تعداد شان بيش از تعداد کسانی است که قريب بيست سال از آغاز اسلام تا زمان عقد اين پيمان مسلمان شده بودند . (الاسلام و منطق القوة : نويسنده فضل الله ١٩٨١ : ٢١١) .

چنانچه گفته آمدیم يك بار ديگر با قاطعيت تام حکم ميکنم که روابط ميان جهان اسلام با غير مسلمان بر اصل متين صلح مبتني بوده . که در صورت تعرض نظامي به سر زمين اسلامي در قالب حق دفاع مشروع و قانوني تو جيهه ميشود . و دفاع مشروع نیز حقي است که در حقوق بين الملل هم پذيرفته شده است . و ماده ٥١ منشور سازمان ملل متحد نیز بدان تصريح نموده است .

همچنان اگر دين اسلام را دين کامل بدانيم منطقي است که در جنب مجموع مقررات اخلاقي وقواعد مورد نیاز زندگي ، به قواعد جنگي و صلح و روابط خارجي نیز پرداخته است ، زیرا در زندگي بشر از جنگ و صلح خلاصي نيست . مگر موجوديت چنین قواعد و مقرراتي در يك نظام حقوقي نمی تواند دليلي بر دائمي بودن يك وضعيت در آن نظام دانست و چنین نتیجه گرفت که چون در اسلام جهاد فرض گردیده است پس مسلمانان

اسلام دين ترور نيست!

همواره در جنگ دائمي با غير مسلمانان به سر مي برند. همچنان قابل تذكر است كه آيا اديان ديگر هميشه در صلح زندگي كرده اند و هر گز دست به جنگ نزده اند؟ مگر در تاريخ مسيحيت جنگ متعددي براي مسيحي كردن ديگران صورت نگرفته است؟ آيا ميتوان جنگ هايي را كه مسيحيان براه انداخته اند به حساب دين حضرت عيسي عليه السلام كه بحيث دين صلح ياد ميگردد حساب كرد؟ بلي آناني كه ميگويند كه اسلام دين شمشير است. اگر هدف شان از دين شمشير آن باشد كه اين دين جهاد و بخصوص جهاد نظامي را بر پيروان خويش فرض گردانيده است و مفهوم جهاد را وسيعتر از جنگ با شمشير ميدانند در آن صورت سخن بجا ء گفته اند. ولي اگر هدف شان اين باشد كه دين اسلام به زور شمشير منتشر شده است در اشتباه اند، زيرا دين اسلام دين عقل و منطق، دين صلح، ترحم، گذشت و شفقت است. دين اسلام از راه عقل و منطق جهانشمول شده است. دين اسلام پيروان خويش را هميشه به استدلال، منطق و برهان دعوت نموده ميفرمايد: (أدع الي سبيل ربك با الحكمة والموعظة الحسنة وجادلهم بالتي هي أحسن) (به راه پروردگارت با حكمت و پند هاي حسنه فراخوان، و با آنان به طريق و شيوه اي كه بهتر است مجادله و مقابله كن) (نحل: ۱۲۵)

مسلمان كردن ديگران را به زور و جبر نمي توان دعوت مشرع بحساب آورد. داخل شدن دين به زور شمشير در دل كسي ممكن نيست. دعوت اسلام هيچگاه از روش مسالمت آميز خويش كه پيروي از رويه احسن كه قرآن عظيم الشان و سنت پيامبر صلى الله عليه وسلم بدان تاكيد ورزيده است و براي پيروان خويش بدان امر نموده است، دور نخواهد شد. دين اسلام دين اعتقاد و باور قلبي است كه با اراده و اختيار بايد آنرا پذيرفت نه با قهر و غلبه و شمشير دعوت اسلام منحصر به زبان نيست، بلكه در عمل بايد نشان داد كه دين اسلام دين صلح، صفا، دين رحمت و مرحمت است.

بلي اسلام داراي شمشير است ولي براي دفاع و رفع موانع مشروع و داخل چوكات و اصول اسلامي، انساني، دفاعي مراعات ديگر اصول قبول شده كه از بخش آن در بالا ياد آوري كردم. دفاع و اشاعه دين مبين اسلام براساس دعوت و نه براي هجوم و غلبه بر ديگران مطرح است.

دين اسلام دين تروريست نيست.

تتبع و نگارش: الحاج امين الدين « سعیدی- سعيد افغانی »

مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان

و مسؤل مرکز فرهنگی د حق لاره- جرمنی

ادرس: saidafghani@hotmail.com

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library